

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۱ جنوری ۲۰۲۲

زلزله بادغیس، طالب و "سره میاشت"!



پنجشنبه - ۳۰ جدی ۱۴۰۰ - کابل: هرگاه در بین صد ها مصیبت بشری و طبیعی که هم اکنون بر مردم ما وارد شده است، به خبر های رسیده از ولسوالی قادیس ولایت بادغیس نیز توجه نموده باشید، شاید این را هم اطلاع داشته باشید که در اثر بروز یک زلزله نچندان شدید یعنی رقمی در حدود ۵.۴ ریشتر، بیشتر از ۵۰۰ خانه ویران، ۴۱ کشته و بیشتر از صد زخمی و به صد ها تن دیگر در قعر زمستان و اوج سرما بی خانمان گردیده اند.

هرچند نظام ملا سالار و در کل جوامع دین زده و بیمار، در مواجهه با حوادثی چون زلزله، آتش فشان، خسوف، کسوف و بقیه، با گفتن "کار خداست و از عهده بشر بیرون" تلاش می ورزند تا مسؤلیت نظام های ضد انسانی و استعمار گرانه شان را بر دوش "خدای قهار و جبار" شان بیندازند و نقش نظامهای شان را در ان میان انکار نمایند، مگر واقعیت قضیه این است، که انسان امروز، دیگر انسان ۵ و یا ده هزار سال قبل نیست که نداند زلزله یعنی چه و چگونه می توان در ایجاد شهر ها و ساختمان شهر ها، احتمالات بروز زلزله را در نظر گرفته ضمن دقت در ساختمان تخریبات ناشی از آن را به حد اقل برساند و با به خدمت گرفتن علم و دادن آگهی قبل از وقوع زلزله به نجات جان انسانها کمک نموده احياناً اگر غافلگیری هم به وجود آید، مؤسسات و نهاد های کمکی و خیریه ای که انسان معاصر برای چنین روز هائی ایجاد نموده، به صورت عاجل به کمک مصیبت دیدگان شتافته، از وخامت و تشدید اوضاع جلوگیری کند.

آنچه در کشور ما بروز چنین حوادث و وقایعی را کشنده تر و دردناکتر از سایر مناطق جهان می سازد، ساختار های عقب مانده و کهنه تر از قرون اولیه، کمبود علم و دانش و به کاربردن سالم و آگاهانه آن در جهت حفظ جان انسان و حیوان و همچنان فقدان مؤسسات کمک رسان مشترکاً می باشد. چنانچه:

فقر و درماندگی مردم از یک سو در نتیجه مناسبات فرتوت و تاریخزده فئودالی در سده های اخیر، از سوی دیگر برخورد استثمارگرانه حاکمیت ها در طی اعصار و قرون و به ویژه سده اخیر و از همه مصیبت بار تر، جنگ و خونریزی های متواتر در اثر تجاوزات اشغالگران و تقابل های ارتجاعی بیش از ۴ دهه اخیر؛ باعث شده است تا حین ساختمان منازل، انسان باشنده آن به تنها چیزی که نمی اندیشد و یا نمی تواند بیندیشد که آگهی های لازم برای اندیشیدن را ندارد، چگونگی مقابله با حوادث طبیعی از سیل گرفته تا زلزله می باشد. یعنی به همان سان که نمی داند و یا فقر نمی گذارد بداند که نباید در مسیر سیل بر ها خانه بسازد، به همان سان نمی داند که اولاً در محلی که خانه ساخته است آیا از مناطق زلزله خیز به شمار می آید و یا خیر؟ و اگر به شمار می آید عمدتاً سمت حرکت زلزله به چه طریق بوده تا حین بروز آن از تلفات بیشتر خود داری صورت گیرد و به علاوه خانه اش را با کدام مواد و مصالح بسازد، تا در مقابل یک زلزله ۵.۴ ریشتری از هم نپاشد و صد ها تن را قربانی ندهد.

موجودیت نظام ملاسالار که بر مبنای مکتب اعتقادی بروز حوادثی از قبیل زلزله، خسوف و کسوف را کار "خدا" دانسته و به جز خواندن چند رکعت نماز "آیات" و بحث در مورد این که در چنان موقعیتی چند رکعت باید خواند شود، آداب نماز چطور باید باشد، در جمع خواند شود و یا انفرادی، مشغله فکری دیگری ندارند ظرفیت فکری جلوگیری از بروز تلفات در قبایل چنان حوادثی را نیز ندارند، همه اینها بر تأثیرات ویرانگر و مخرب حادثه طبیعی افزوده، باعث می گردد تا خلاف کشور های پیشرفته که یک زلزله با شدت ۵.۴ ریشتر گاز اطفال شان را شور نمی دهد، به ده ها تن را کشته و صد ها تن دیگر را زخمی و بی خانمان بگردند.

و اما مؤسسات کمکی مانند "سره میاشت" در چنین موقعیت هایی برای یک طالب و کلیت نظام ملاسالار که نه نامی از "هانری دونانت" سویسی به گوش شان خورده و نه هم اصولاً به وظایفی که می باید در چنین مواقعی انجام دهند آشنا هستند و از لحاظ اعتقادی هم به اساس "حرمت انخار" جمع کردن و آمادگی گرفتن جهت چنین روز هایی را چیزی کمتر از کفر نمی دانند، مسلم است که وقتی زلزله ای حتا به قدرت ۵.۴ ریشتر صورت می گیرد و در طی آن صد ها خانه ویران و صد ها تن بی خانمان و صد ها تن دیگر کشته و زخمی می گردند، دست از پای دراز تر به مانند حیوان زخم خورده به چهارطرفش نظر می اندازد و باز هم دست به طرف "آسمان" و زمین بلند می کند و طلب کمک می نماید.

هموطنان گرامی!

با اشارات مختصری که در باب حوادث طبیعی نمودم و ضمن آن نشان دادم که چگونه حوادث طبیعی متأثر از ساختار های اقتصادی - اجتماعی می توانند مرگبارتر گردند و این را هم تذکر دادم که از قشر ملا که همیشه چیزی خواسته اند و اصولاً به غیر گرفتن به کلمه "دادن و کمک کردن" آشنائی ندارند، نباید هیچ انتظاری داشت، تنها چیزی که باقی می ماند، خود ما هستیم. یعنی ما می باید به مثابه باشندگان همین میهن در چنین مواقعی دست و آستین برزده، در حد توان به کمک و یاری هموطنان مصیبت دیده خود بشتابیم.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!